



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۹ دی ۱۳۸۴ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

عراق بعد از "انتخابات"

از مضحکه انتخابات ۱۵ دسامبر آمریکا قائل نیست، جریانات دو هفته میگذرد، هنوز نتایج آن مجلس اعلا و حزب دعوه که در دید و بازدیدهای پشت پرده جبهه ائتلاف عراق را شکل گرفتار مانده است. اکنون همه، میدهند نزدیکترین اهرم فشار نتایج گاویندیها و زور زندنیهای سران رژیم ایران و جریانات پشت پرده را انتظار میکشند. اسلامی هستند که همچنان بر سر سهم برتر خود اصرار دارند. تا اینجا، رژیم ایران مدعی است که دوستان دور و نزدیکش، احزاب ناسیونالیست کرد که در همچنان در مقام اول هستند و گاویندیهای قبلی سراز دولت پذیرش هیچگونه امتیازی برای مرکزی برآورده بودند



abe.sharifi@yahoo.se

عبدالله شریفی

سالروز زلزله بم

زخم بر پیکر بازماندگان قربانیان و زخم مهلک تر فاجعه حکومت مفتخوران اسلامی



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

بودجه و پرسنلی که برای مقابله فجاجع غیر طبیعی، برای جنگ و با این سوانح طبیعی توسط اشغال نظامی کشورها و زیر و رو دولتها اختصاص یافت، به نحو کردن شیرازه مدنیت جامعه خیره کننده ای تناقض نظم و میلیارد ها صرف میشود، در سیستم اقتصاد سرمایه داری و حالی که برای دفن انسان زنده سیستمهای مختلف حکومتی آنرا زیر آوار جنگ و بمباران از اموال با سعادت و رفاه و امنیت اجتماعی شهروندان نشان داد. در علنا توسط دولتها و کابینه ها و شرایطی که برای راه اندازی رئیس جمهورها و

به کارگران شرکت واحد تهران

خواسته های برحقان بر جای خود باقی است

دبیر سندیکایان هنوز در زندان است

اعتصابات را ادامه دهید

دوستان کارگرا!

اعتصاب شما کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی پاسخی حق طلبانه و انسانی به بی حقوقی محضی است که به این بخش کارگری تحمیل شده است. دستگیری اعضای رهبری سندیکای شرکت واحد و بستن دفتر سندیکا تعرض گستاخانه دولت به شما کارگران و تلاش برای محروم کردنتان از حق تشکل و اتحاد کارگری است. اعتصاب دیروز شما تا همین جا تحریک درخشانی در جنبش کارگری بود. و همه میدانیم آزادی هفت نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکایان نتیجه مستقیم فشار این اعتصاب بود. میدانیم که بعد از ظهر روز یکشنبه را شما کارگران اعتصابی شرکت واحد صرف دست و پنجه نرم کردن با انواع تهدیدات و دسیسه های مقامات رنگارنگ جمهوری اسلامی کردید. "مذاکرات" تا آخرین ساعات شب در چند مورد میان شهرداری تهران و مسئولان شرکت واحد از یک طرف و اجتماعات شما رانندگان اعتصابی و نمایندگان سندیکا از طرف دیگر به تحقق خواسته های شما منجر نشده است. وعده های توخالی، شفاهی، غیر رسمی و تضمین نشده شهردار تهران قالیباف نه تنها جوابی به خواسته های شما نیست، بلکه واضح است مانوری برای مقابله با اعتصاب و مطالبات شما است میخواهند اتحادتان را برهم بزنند. دبیر سندیکایان منصور اسانلو را تنها و ایزوله در زندان نگه دارند. سندیکایان تعطیل باقی بماند و به دیگر خواسته هایان اعتنایی نکنند. با چشمان باز این توطئه ها و ترندها را خنثی کنید.

در نتیجه مطالبات برحق شما کارگران شرکت واحد بر سر جای خود باقیست. رژیم اسلامی سرمایه داران با ترندهای متعدد برای تنها نگه داشتن دبیر سندیکا در زندان و متوقف کردن این اعتصاب اقدام کرده است. چنین پیدا است که توانسته اند وقفه ای را بر اعتصاب قدرتمند شما تحمیل کنند. اخبار حکایت از این دارد که در میان موجی از ناراضیاتی از امروز، دوشنبه، رانندگان بر سر کار حاضر شده اند.

دوستان کارگرا! هنوز فرصت هست نگذاریم این وقفه تحمیلی به پایان اعتصاب منجر شود. هنوز دبیر



Hoseinzadeh_r@yahoo.com

رحمان حسین زاده

اعتصاب کارگران شرکت واحد پیروزی یا شکست؟

کارگران شرکت واحد برای دستیابی به مطالبات برحقشان بود. از مدتی قبل کارگران شرکت واحد به این نتیجه رسیده بودند که برای مقابله با شرایط سخت کار و رسیدن به خواسته هایشان مجبورند به اعتصاب دست بزنند. سندیکای کارگران شرکت واحد بر سر این خواستهها شروع و بدون برآورده شدن این مطالبات متوقف شد. این یک روز اعتصاب پیروزی و یا موفقیت نسبی برای کارگران در بر نداشت و به طریق اولی شکست اعتصاب هم نبوده است. اگر ذهنیت ساده و دوبعدی و شیر و خطی شکست یا پیروزی را کنار بگذاریم، آنوقت متوجه میشویم که شروع قدرتمند اعتصاب و حرکت بزرگ کارگران شرکت واحد را در همان روز اول متوقف کردند و در واقع وقفه ای بر اعتصاب و تحرک تعیین کننده این بخش کارگری تحمیل شد.

در شرایط سیاسی امروز ایران و در بطن جنبش اعتراضی موجود علیه جمهوری اسلامی ابعاد تأثیرات اعتصاب و تحرک یکی از بخشهای مهم کارگری ایران تأثیرات گسترده ای در کل فضای سیاسی ایران خواهد داشت. در چشم جامعه کارگر و تحرک کارگری را به جلو سوق میدهد و تناسب قوای موجود بین مردم و جمهوری اسلامی را تغییر میدهد. لذا اعتصاب کارگران شرکت واحد ولو با خواست صنفی ابعاد سیاسی جدی علیه جمهوری اسلامی داشت. بوپژه این را هم در نظر بگیریم که دامنه حضور عملی این بخش کارگری سراسر تهران و خیابان و کوچه های آن را در بر میگیرد و بنا به خصلت طبیعی کارشان، اعتراض و پیامشان به درون هر خانه ای نفوذ میکند و توجه جامعه را به خود جلب میکند. علاوه بر آن

هنوز رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد منصور اسانلو در زندان است. دفتر سندیکا به تعطیل کشانده شده است و هیچیک از خواسته های برحق کارگران شرکت واحد تأمین نشده است. اعتصاب قدرتمند روز یکشنبه کارگران شرکت واحد بر سر این خواستهها شروع و بدون برآورده شدن این مطالبات متوقف شد. این یک روز اعتصاب پیروزی و یا موفقیت نسبی برای کارگران در بر نداشت و به طریق اولی شکست اعتصاب هم نبوده است. اگر ذهنیت ساده و دوبعدی و شیر و خطی شکست یا پیروزی را کنار بگذاریم، آنوقت متوجه میشویم که شروع قدرتمند اعتصاب و حرکت بزرگ کارگران شرکت واحد را در همان روز اول متوقف کردند و در واقع وقفه ای بر اعتصاب و تحرک تعیین کننده این بخش کارگری تحمیل شد.

اینکه اهمیت این اعتصاب چیست؟ چه فاکتورهایی توقف آن را موجب شدند؟ گام بعدی چیست؟ موضوعاتی است که به اختصار در این نوشته به آن میپردازیم.

جایگاه اعتصاب کارگران شرکت واحد

اعتصاب روز یکشنبه ۴ دی ماه نقطه تعیین کننده و قدرتمند جنب و جوش از مدتتها قبل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

عراق بعد ...

در بدبینی بازی دانهایی دور قبل ناخشنودند، جلال طالبانی دوره همکاری با دولت جعفری را دوره شکست و تجارب تلخ نامیده است که به آنها اجازه اعمال قدرت داده نشده است. این "دوستان" رژیم ایران و ابزارهای "مطمئن" دست آمریکا، فعلا در منگنه خط سازش بین جریانات سنی و شیعه در آمد و رفت هستند. فاکتور جدیدی در این دوره پا به عرصه گذاشته است: جریانات معروف به سنیها، جریانات وابسته به وفاق وطنی و العراعیه میباشند. این جریانات بیشتر اهرم فشار عربستان و دول عربی هستند و نیروی آن شامل دستجات پراکنده ناسیونالیسم عرب که بعد از برکنار کردن صدام ملاشی شده بود و زیر بیرق اسلامیها پرسه میزدند، می باشد. این جریانات که در دور قبل بازی داده نشدند، اکنون با پول و امکانات عربستان و سایر دول

عربی علم شده اند تا در تقسیم قدرت و غارت سهم شوند. این گروه از معرکه انتخابات شاکی هستند و شمشیر تهدیدات خود را میچرخانند. آمریکا به امید تحت فشار گذاشتن رژیم ایران در عراق و جریانات اسلامی، و به امید دلنوازی از ناسیونالیسم چریچه دار شده عرب، تن به پذیرش این جریانات داده است. وارد شدن این جریانات در این معادله مبهم نه تنها گره ای از کلاف سردرگم سیاست آمریکا در عراق باز نکرده است بلکه خود در پیچیده تر کردن اوضاعشان نیز موثر بوده است. زمره خروج نیروهای آمریکا حاصل فشارهای داخلی و خارجی بر بستر شکست آمریکا در عراق است امکان رشد جریانات اسلامی و قومی را بیشتر کرده است. خلیلزاد نماینده آمریکا در دیدار خود با سران احزاب ناسیونالیست کرد و گدایی کرسی برای این دسته دارد دنبال نقطه تعادلی بر سر

مهار زدن جریانات اسلامی است، ویافتن "گشایشی" بر این پیچدگیها میگردد. در کنار این دستجات، گروه سر به علایو هستند که هر چند "آمریکایی تر" به نظر میرسند اما میدان مانور محدودتری دارند.

نتیجه این زد و بند هر چه بشود، صفبندی این نیروها هر شکلی به خود بگیرد، کی با کی سازش و کی با کی سر جنگ داشته باشد، کرسیها را از چه مرتجعی بگیرند و به کدام مرتجع دیگر بسپارند؟ ... از زویه منافع مردم عراق، این نکته محرز است که جامعه عراق در مقابل دور جدیدی از تخاصمات قومی و مذهبی قرار خواهد گرفت. دور جدیدی از رقابتهای خونین بر سر تقسیم قدرت و چپاول جامعه، زندگی مدنی مردم را بیش از این به تباهی خواهد کشاند. جامعه عراق با این دور وارد فاز دیگری از کشمکشهای خونین خواهد شد و قربانیان این زد و بندها مردم محروم و زحمتکش عراق

هستند. ادامه این سناریو جامعه عراق را در مسیر پر پیچ و خم جنگهای قومی و مذهبی به مراتب شدیدتر قرار خواهد داد. صفبندیهای جدید پس از انتخابات دور دیگر در تداوم همان رقابتهای خونین بر سر تقسیم قدرت و چپاول جامعه عراق خواهد بود، بازی همان بازی سابق است و اضافه شدن چند بازیگر جدید صرفا باز شدن امکان جدیدی در جهت تخریب کامل جامعه عراق است.

اگر چه اسلام سیاسی همچنان در تلاش است تا دست بالا بودن خود را حفظ کند، اما نه حضور آمریکا، نه رژیم اسلامی قومی سیستانی و شرکا، و نه جریانات قومی عرب، قادر به یکسره کردن معضل عراق نخواهند بود. معضلی که ما از آن صحبت میکنیم صرفا رویدادی محلی و تنها در ابعاد تلافی خصومت امیز جریانات مرتجع قومی و مذهبی در عراق نیست، فاکتورهای منطقه ای و جهانی تر که

کماکان لاینحل مانده اند در سیر این رویدادها و اوضاع آتی عراق سهم خواهد بود.

آنچه به این همه مصائب میتواند نقطه پایانی بدهد، عبور جامعه از مدار جریانات قومی و اسلامی است، مسیری است که امکان رقابت دو قطب تروریست جهانی، سیاست میلاریستی آمریکا و متحدینش و جریانات اسلام سیاسی را ناممکن کند. آن نیرویی که امکان رقابتهای ویرانگر دو قطب جهانی تروریستی را فلج کند، نیروی متحد و متشکل مردم حول پرچمی انسانی است. نیرویی که در دفاع از مدنیت و زندگی، در دفاع از آزادی و رهایی بخواهد برای آن جامعه تعیین تکلیف نهایی کند، میتواند با به میدان کشیدن این نیرو روند این سناریوی جهنمی را مسدود کند. میتواند جهان متمدن "نظارگر" را به قطبی فعال جهانی در این مسیر به حرکت درآورد.

زلزله بم

روسای دولتها، جلسه عادی و اضطراری و فوق العاده و غیر آن تشکیل میشود، دستجات و باربگاد و جوخه های مرگ و اقدام سریع و ارتش ها و لشکرهای شبه نظامی انتحاری راه اندازی و سازماندهی میشوند و قدرت بسیج جنایات سریع و برق آسا توسط دولتها، جزئی از دیپلماسی و مصوبات رسمی و "قانونی" سیاست دنیای اقتصاد سرمایه داری و روینای سیاسی و ایدئولوژیک آن است، بی تصمیمی، بی مسئولیتی و بی تفاوتی و لاابالگری در برابر فجایع طبیعی و سرنوشت مردم توسط دولتها، روی دیگر همان سیاست ناظر بر کسب سود و ثروت اندوزی و استثمار توسط سرمایه دار و دولتهای آن در گستره جهان ما شده است. در جهان ما اصل مقدس سود و تولید ارزش و ارزش اضافه و نظم بردگی سرمایه و کار مزدی بر تارک دولتها و قوانین و بنیانهای سیاسی و قانونی حک کرده اند.

زلزله بم، بعلاوه نشان داد که سران و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی بر بستر این فاجعه طبیعی برای دزدی و بالا کشیدن کمکهای بی مردم و نهادهای غیر دولتی جمع آوری کردند، کیسه دوختند و سازمان و نظم و مقررات تدوین کردند تا کسی به موقع و سروقت به داد مردمی که زیر آوار رفتند، نرسند. در حالی

که هنوز قربانیان فاجعه بم از زیر بار این سانحه وحشتناک کمر راست نکرده اند، و آواره ها، آواره مانده اند و خانواده ها و کودکان و معلولین را با شکیها و غم سنگین فقدان عزیزانشان تنها و فاقد قدرت و بی پناه رها کرده اند، روزی نیست که خبر دزدی و رشوه خواری و بالا کشیدن اموال و ثروت جامعه را توسط مشتت طفیلی اسلامی و مقامات دولتی و نورچشمیهای سران ریز و درشت جانیان اسلامی را که وقیح و بی شرم و بی پرده در برابر انظار قربانیان زلزله بم اعلام میکنند، و در روزنامه هایشان انتشار میدهند، نشنویم و نخوانیم. در حالی که بم و مردم مصیبت زده آنرا پس از گذشت دو سال از زلزله با زخمهای عمیق و غمهای سنگین مرگ عزیزانشان و بلاتکلیفی آواره ها و بی مسکن شده ها، رها کرده اند، در گوشه ای از بساط دزدی و رشوه خواری و چپاول اموال و ثروت جامعه، ارقام میلیاردی را در برابر جامعه اعلام میکنند. در بخش کوچکی از این بازار بچاپ بچاپ و فساد سران و عواملی که با قدرت حکومتی اسلام سیاسی بر مقدرات زندگی مردم حاکم شده اند، میخوانیم:

* علی کریمی، قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی، به زودی مسئولیت خود را به علوی، معاون اماکن و مدیر پیشین روابط عمومی آستان قدس رضوی واگذار میکند.

کریمی که نقش تعیین کننده ای در تصمیمات آستان قدس رضوی داشت، در دوران اصلاحات و تصدی دولت سیدمحمد خاتمی، به رغم تیرگی روابط آیت الله واعظ طیبی با اصلاح طلبان، از روابط نزدیکی با دولت برخوردار بوده و نقش مؤثری در حل مشکلات بین دولت و آستان قدس رضوی داشت.

گفته می شود، در پرونده شرکت «المکاسب» که ناصر واعظ طیبی، متهم پرونده به شمار می رود، وجه مورد شکایت بانک ملی که مبلغی بالغ بر یکصد میلیارد ریال بود، به وسیله کریمی، تأمین و موجب مختومه شدن پرونده مذکور شد

* نمایندگی شرکت «ن»، با برقراری روابط ویژه تعدادی از مسئولان - طی حدود ده سال اخیر - توانسته است، به بزرگترین کارتل در سیستم مخابرات ایران تبدیل شده و در کنار فروش تجهیزات خود به دولت، بیش از یک میلیارد دلار، درآمد کسب و بخش عمده آن را از کشور خارج کرده است.

* ناپدید شدن ۱۸ میلیارد تومان در تعاونی اتحادیه فرهنگیان!

* یکی از شعب بانکهای دولتی واقع در لندن، که اقدام به پرداخت وامی به مبلغ پنجاه میلیون دلار (۴۵ میلیارد تومان) به «حسین - ث» از

سرمایه داران کرده است، برای باز پس گیری وام خود، دچار مشکلات جدی شده است.

* ابر زمین خوار ایران که با انتقال حدود ۴۰۰ هکتار از زمین های خود به تعاونی های مسکن برخی نهادهای نظامی، امنیتی و قضائی، به تصاحب بیش از ۲۰۰۰ هکتار زمین پرداخته و با فروش این زمین ها، صدها خانواده را دچار مشکلات جدی کرده است، بدون هیچ مشکلی، به فعالیت خود ادامه می دهد؛ هر چند تاکنون شکایت فراوانی علیه وی تنظیم و ثبت شده است.

و اینها فقط بخشی بسیار کوچکی از "افشاگرها"ی است که در رقابت و کشمکش بین جناحهای رژیم اسلامی و در حسرت محرومیت برخی از جناحهای رسمی و نظامی و امنیتی و اسلامی از این بساط چپاول و تاراج، به دنیای بیرون درز کرده اند.

ثروت در جامعه ایران به حد کافی وجود دارد، مردم میتوانند و قادرند که به اتکالی اموال و ثروت و امکاناتی که هم اکنون و فی الحال در جامعه وجود دارد، از پس فقر و فلاکت برآیند و دامنه آثار ویرانگر فجاج طبیعی را به حداقل ممکن برسانند. حاکمیت و سلطه جمهوری اسلامی و لایه ای از مفت خورانی که برمتن جنایت سازمان یافته دولتی و بلعیدن

ثروت و اموال جامعه ده ها نهاد سرکوبگر ارتش و سپاه پاسداران و لشکرهای امام زمان و انواع نهادهای تولید و باز تولید خرافه و جنایت دولتی و مذهبی و اسلامی، شکاف عمیقی بین فقر حاکم بر زندگی شهروندان جامعه و ثروتهای افسانه ای اقلیتی سربار برپا کرده اند، باید پایان یابد و این حکومت مرگ و نکبت اسلامی همراه با تمامی نهادهای دولتی و غیر دولتی آن برچیده شوند.

زلزله بم به نحو برجسته ای تناقض رژیم اسلامی و بقای آنرا با سعادت و خوشبختی و امنیت اجتماعی و اقتصادی مردم ایران نشان داد. این رژیم باید به گور سپرده شود.

آنگاه که مردم ایران، مردمی که برای خوشبخت کردن خود، به اتحادی داوطلبانه و همیاری انسانی جامعه مرفه و سعادت مندی بنا خواهند کرد، در برابر هر سانحه و حادثه طبیعی نیز قدرت عظیمی از سازماندهی و نجات و گریز از فاجعه خواهند داشت. مهار کردن قدرت قهر طبیعت در جامعه ایران، به نحو اجتناب ناپذیری به قدرت مردم برای مهار کردن قدرت تخریبی رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است. رژیم اسلامی نه تنها یک مانع جدی در برابر اراده مردم برای بنای یک جامعه عاری

از فقر و فلاکت و محرومیت و فجاج و مصائب اجتماعی چون صفحه ۳

نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی

اعتصاب کارگران ...

این بخش مهم کارگری متحد و متشکل و صاحب شکل مستقل کارگری خود هستند. جمهوری اسلامی دقیقا با دیدن این واقعات و دیدن اینکه اثرات این اعتصاب به شرکت واحد محدود نمی ماند. با احساس خطر اعتصاب کارگران تعرض پیشگیرانه خود را علیه کارگران شرکت واحد سازمان داد. دستگیری رهبری و هیئت مدیره سندیکای کارگران حلقه اصلی این تعرض پیشگیرانه بود.

از سوی دیگر، جبهه کارگر و مردم زحمتکش و کمپ آزادیخواهی هم تحرک اعتراضی و اعتصاب کارگران شرکت واحد را عمیقاً متعلق به خود و سرنوشت مبارزاتی خود میدانند. هر گام پیشروی این بخش کارگری، پیشروی کل جنبش کارگری و جنبش اعتراضی رادیکال جامعه ایران است. عکس العمل سریع و گسترده تاکتونی در داخل و خارج کشور در حمایت از کارگران شرکت واحد انعکاس این واقعیت است.

با دستگیری هیئت مدیره و رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد جمهوری اسلامی ضربه ای بر کارگران شرکت واحد وارد کرده بود. با این وصف کارگران شرکت واحد و فعالین آن خوب جنیبند. با پافشاری بر آزادی دستگیر شدگان و بازگشایی دفتر سندیکا و دیگر مطالباتشان و با اعلام اعتصاب روز یکشنبه سد محکمی در مقابل این تعرض ایجاد و آثار این ضربه را محدود کردند. امید به تداوم مبارزه برحقشان ایا شد و حمایت‌های گسترده در داخل و خارج کسب شد. شروع اعتصاب یکشنبه ورق را برگرداند. کارگران در موقعیت تعرضی و اعمال فشار، جمهوری اسلامی را هراسان کردند. تا همین جا شروع اعتصاب کارگران شرکت واحد برکه درخشانی در جنبش کارگری و اعتراضی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است.

اعتصاب یکشنبه به روشنی جمهوری اسلامی را هراسان و به تکاپو انداخت. گسیل داشتن وسایل نقلیه دولتی و سپاه پاسداران برای حمل و نقل مردم، تهدیدها و دستگیریها و مانورهای فریبکارانه تحت نام مذاکره، آزاد کردن تعدادی و همزمان دستگیری تعداد دیگری و نگر داشتن منصور اسانلو در زندان و وعده های توخالی سردار قالیباف مجموعه تقلابهای جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتصاب قدرتمند و شروع شده کارگران شرکت واحد بود. این تقلابهای جمهوری اسلامی ساخته شده و با پیشرویها و حمایت‌هایی که کارگران شرکت واحد به دست آورده می‌توانست خنثی شوند. متأسفانه چنین نشد و بر عکس تقلابهای ضد انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی اثر گذاشت. توقف اعتصاب اعلام شد. در این رابطه به چند نکته باید توجه کرد.

توقف این اعتصاب از سر موقعیت ضعیف اعتصاب و اغتصاب کنندگان اعلام نشد. تازه شروع اعتصاب و امکان گسترش آن به مناطق دهگانه شهر تهران بود. در داخل و خارج حمایت‌های وسیع شروع شده بود. قدرتمند شدن آن در چشم انداز بود.

از سر طولانی شدن آن و خستگی شرکت کنندگان آن اعلام نشد. روز اول اعتصاب بود. حمایت‌هایی که از آن شد و انعکاس وسیعی که در سطح جهانی داشت قوت قلب بیشتر این اعتصاب و حامیان آن را موجب شد.

از سر غیر ممکن دیدن تحقق مطالبات آن وقفه ایجاد نشد. اتفاقاً تحت فشار این اعتصاب تعدادی از اعضای هیئت مدیره آزاد شدند. قالیباف مجبور به دادن وعده های شفاهی شد. همین نشان میداد در ادامه اعتصاب تحقق خواسته های فوری و مشخصا آزادی همه و از جمله منصور اسانلو ممکن است.

توقف ایجاد شده حتی سازش

توقف اعتصاب اشتباه بود

زلزله بم ...

بیکاری و بیکار سازی و تعطیلی مراکز تولید و تن فروشی و اعتیاد و بی خانمانی و کودک کار و خیابانی و کارتون خوابی، که مانع و سدی سنگین در مقابله با فجایع و سوانح طبیعی است.

اطلاعیه شرکت واحد و آنرا به اجرا گذاشتید. با حفظ این عزم و اراده غالب آمدن بر پیچیدگی های سر راه و تداوم اعتصاب و تحت فشار گذاشتن رژیم تنها راه موثری است که در مقابل شما کارگران شرکت واحد قرار دارد.

در تداوم این اعتصاب و مبارزه شما کارگران شرکت واحد تنها

تعریف شده و رسمی هم نبود. در جریان مبارزات اجتماعی و کارگری سازشهای روشن و تعریف شده، و بر اساس تناسب قوای موجود معنی دارد و قابل دفاع است. در این مورد چنین اتفاق هم نیفتاد. آزادی تعدادی (و همزمان دستگیری تعدادی دیگر و همچنین در زندان ماندن اسانلو)، انتقال سرپرستی شرکت واحد از شورای شهر به شهردار و وعده های شفاهی و تضمین نشده قالیباف برای کارگران نان و آب نشد و بر خلاف این تصور که این مانورها را نشانه موفقیت و دال بر پایان اعتصاب گرفتند. این اقدامات کوچکترین پیشروی برای کارگران در برداشت.

علت توقف اعتصاب چه بود؟ اشاره کردم مانورها و تقلابهای مذبحخانه و اعمال فشارهای جمهوری اسلامی عامل مهمی در تحمیل توقف اعتصاب کارگران شرکت واحد بود. اما در آغاز یک اعتصاب قدرتمند رهبری روشن بین و صاحب تشخیص درست از موقعیت این اعتصاب و مبارزه می‌توانست بر تقلابهای جمهوری اسلامی فایق آید و اتفاقاً با پافشاری بر تداوم اعتصاب چنان قدرتی را به صحنه بکشد، که در وهله اول آزادی همه دستگیر شدگان و در ادامه تحقق تمام یا بخشی از مطالبات را ممکن کند.

خلاصه کلام در آن شرایط پیچیده روز یکشنبه و غروب آن کمبودهایی که رهبری و تصمیم گیرندگان اعتصاب نتوانستند بر آن فایق آیند. موجب تاکتیک غلط اعلام پایان اعتصاب شد. به نظرم این کمبود را در دو زمینه میتوان دسته بندی کرد.

الف- رهبری اصلی و هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد در زندان و یا تحت فشار امکان دخالت گری واقعی را نداشتند. به یک معنای رهبری کارگران شرکت واحد در شرایط ضعیف شده در بطن اعتصاب بزرگ با پیچیدگیهای زیاد بسر میبردند. رهبران و فعالین تصمیم گیرنده جدید تشخیص تماما درستی در

مورد نیروی خود و جمهوری اسلامی را منعکس و نمایندگی نکردند. بر این اساس تماما متوجه نبودند که اتفاقاً ادامه اعتصاب حداقل تا آزادی همه دستگیر شدگان و بویژه اسانلو ممکن و ضرورت دارد.

ب- توهم به وعده های شفاهی، تضمین نشده و غیر رسمی قالیباف در اعلام پایان اعتصاب عمل کرد. فعالین و تصمیم گیرندگان اعتصاب از سر پراگماتیسم به این وعده ها باور کردند.

همین جا جالب است این نکته را اضافه کنم که این توهم نه تنها در میان کارگران در محل، حتی دامن بعضی گروههای اپوزیسیون چپ در خارج را گرفت که با تیتراژ درشت اعلامیه هایشان وعده های توخالی قالیباف را دال بر تحقق خواسته های کارگران اعلام کردند و با دنباله روی از وعده های قالیباف خاک در چشم کارگر پاشیدند و "پیروزی اعتصاب" را اعلام کردند.

خلاصه کنم در جدال حاد و پیچیده روز یکشنبه و غروب آن کارگران شرکت واحد توسط رهبری روشن بین و صاحب تشخیص درست نمایندگی نشدند و توقف اعتصابی که میرفت تحول بزرگی را به نفع کارگران و مردم ممکن کند. در میان ناباوری اعلام شد. وقایع بعدی و عدم تحقق خواسته های کارگران اشتباه بودن توقف اعتصاب را تاکید میکند.

گام بعدی چیست؟

توقف اعتصاب پیروزی کارگران نبود. اما شکست کارگران هم نبود و نیست. چون جنب و جوش کارگران شرکت واحد و رهبری آن ادامه دارد. عزم و اراده مجدد کارگران شرکت واحد برای تحقق مطالباتشان و در صورت لزوم از سرگیری اعتصابشان اعلام شده است. ابعاد توطئه های جمهوری اسلامی بیشتر آشکار شده است. طبعاً کارگران ورهبری آنها با درسها و تجارب بیشتر این

مصاف را ادامه میدهند. خوشبختانه فرصت هنوز باقی است و در همین راستا گام بعدی را خود کارگران شرکت واحد در اطلاعیه ششم دی ماه ۱۳۸۴ اعلام کرده اند. در بخشی از این اطلاعیه که در پایین آمده است. گام بعدی چنین ترسیم شده است:

..... "و باید دستگیر شدگان ما آزاد شوند. اگر آزاد نشوند دست به اقدامات گسترده تری خواهیم زد. زور ما قدرت کار ماست. ما سلاح و اسلحه دیگری نداریم و قدرت کارمان را به کار خواهیم گرفت و بر روی خواستههایمان پافشاری خواهیم کرد. خانواده های ما نیز اعلام آمادگی کرده اند که اگر عزیزان ما آزاد نشوند در اعتراض ما شرکت کنند. همانطور که در تجمع روز یکشنبه ما در منطقه ۶ شرکت کردند و با پچه های سه ماهه و شش ماهه به تجمع آمدند و حتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ما احتیاج شدید به حمایت همه کارگران و کارگران در جهان داریم. ما شنیدیم که کنفدراسیون اتحادیه های آزاد و کنگره کار کانادا از خواست برحق ما حمایت کرده است....."

آزادی فوری همه دستگیر شدگان و مشخصاً منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره و رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد شاخص مهم پیروزی کارگران شرکت واحد است. و پافشاری بر دیگر خواسته ها و به میدان کشیدن قدرت کار و تداوم اعتصاب، حمایت خانواده ها و همه کارگران و مردم و حمایت‌های بین المللی چشم انداز گامهای بعدی مبارزات کارگران شرکت واحد است. در ادامه این مبارزه همه و بویژه مردم تهران میتوانند نقش مهمی در پیروزی کارگران شرکت واحد داشته باشند. صف متحد و یکپارچه کارگری و انسانی در داخل و خارج میتواند در این مبارزه علیه جمهوری اسلامی به میدان بیاید. به این صف بپیوندیم.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

نیروی بزرگ اتحاد و مبارزه مان را به رسمیت بشناسیم.

کارگران و ما و مردم مبارز میدانیم که تعرض رژیم به حقوق هر کارگر و هر شهروند تعرض به حقوق اجتماعی و انسانی کلیه شهروندان جامعه است. لازمه مقابله با آن اتحاد و همبستگی مبارزاتی یکپارچه در مقابل این سرکوبگری و تهدیدات و تعرض به حقوق شهروندان

نیستید. روز اول اعتصاب شما با حمایت گسترده ای در داخل و خارج کشور روبرو بود. انعکاس وسیعی در رسانه ها داشت و حقیقتاً پیکره این رژیم را به لرزه در آورد و تازه این آغاز راه اعلام همبستگی ها و پیوستن‌ها و حمایت‌های عظیم از اعتصاب بزرگ شما بود. نیروی بزرگ این حمایت گسترده در تداوم اعتصاب در کنار شما خواهد بود.

جامعه است. حمایت قاطع از مبارزات شما کارگران شرکت واحد جزو لاینفک این اتحاد مبارزاتی است.

زنده باد مبارزه و اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران زنده باد همبستگی کارگری و انسانی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

روز سه شنبه ۶ دیماه: سندیکا طی اطلاعیه ای خواهان آزادی ۷ نفر باقی مانده از دستگیر شدگان شد و اعلام نمود که خواهان آزادی بی قید و شرط همه همکاران خود است و حاضر به مذاکره بر سر آن نیست و دعوت قالیباف به مذاکره را رد کردند.



mkazvini@hotmail.com

محمود قزوینی

نسبت می دادند و از طرف دیگر قالیباف را برای مذاکره و خواباندن اعتصاب و اعلام برآورده کردن خواستهها نزد سندیکا و هیئت مدیره آن میفرستادند. به هر حال این تاکتیک رژیم گرفت و اعتصاب فقط یک روز دوام آورد.

روز دوشنبه ۵ دیماه: هنوز ۷ نفر از اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکایی به نامهای ۱. سعید ترابیان ۲. سعید داوود رضوی ۳. ناصر غلامی ۴. منصور اسانلو ۵. یعقوب سلیمی ۶. مصطفی امیری ۷. جواد

کفایتی که برخی از آنها در اعتصاب روز یکشنبه دستگیر شده بودند در زندان به سر میبردند. سخنان ضد و تقیض در باره شروع دوباره اعتصاب در صورت عدم آزادی رهبران سندیکا از زبان برخی از اعضای هیئت مدیره سندیکا شنیده میشد. اما تهدید به اعتصاب هم توسط برخی از اعضای هیئت مدیره در مصاحبه ها و گفتگوها مطرح میشد.

روزشماری از اعتصاب کارگران شرکت واحد

عقب نشینی با کارگران را در پیش گرفت. رژیم با این عقب نشینی دست به یک مانور زده است. اولین مسئله مهم برای رژیم خواباندن اعتصاب آغاز شده بود. رژیم به این هدف خود خیلی آسان رسید. با آزادی بخشی از دستگیر شدگان و با دادن وعده و وعید شفاهی این هدف برآورده شد.

ساعت یازده شب روز یکشنبه قالیباف در اجتماع عمومی ۴۰۰۰ کارگر شرکت واحد حضور یافت و اعلام نمود صاحب قلم مدیر شرکت واحد تهران برکنار شده است و شرکت واحد به زیر مسئولیت شهرداری درآمده است و او به عنوان شهردار مسئولیت شرکت واحد را عهده دار است و طرف حساب کارگران شرکت واحد است. قالیباف جنایتکار با قلم کردن اسلحه و آلات شکنجه خود نزد کارگران آمد و با وعده و وعید اعلام نمود که خواسته های اعتصابیون را تا روز پنجشنبه برآورده میسازد. رهبران سندیکا شرکت واحد با این قول و قرار اعتصاب را متوقف کردند. مسئولین رژیم از یک طرف اعلام میکردند سندیکا و اعتصاب غیرقانونی است و اتهامات سنگینی را به برخی از رهبران سندیکا مانند اسانلو

رهبران و فعالین سندیکا، از اقدام سندیکای کارگران شرکت واحد برای اعتصاب حمایت کردند. در خارج از کشور جریانات و احزاب چپ و کارگری شروع به اقدامات حمایتی کردند.

روز شنبه ۳ دیماه تحصن بخشی از کارگران شرکت واحد ادامه یافت و حمایت از کارگران شرکت واحد گسترش یافت و آغاز اعتصاب در روز یکشنبه حتمی به نظر میآید.

روز یکشنبه ۴ دیماه اعتصاب کارگران شرکت واحد از صبح زود شروع شد. بنا به گزارش خود خبرگزاریهای رژیم این اعتصاب تهران را فلج کرد. بازتاب اعتصاب در ایران و جهان بسیار وسیع بود و رژیم سراسیمه برای کم اثر کردن و پایان دادن به آن دست به عمل سریع زد. ابتدا سعی کردند اعتصاب کارگران را با به راه انداختن وسائل حمل و نقل نیروهای نظامی و با بسیج تمام نیروهای برای کم اثر و خنثی کنند. رژیم عناصر خوددش را برای به حرکت در آوردن اتوبوسها بسیج نمود، اما این هم نتوانست کارساز شود. حتی عناصر معدود مزدور و سپاهی و بسیجی با اتوبوس به صف بلوکه کنندگان کارگران که در میان آنان خانواده های آنان نیز حضور داشتند حمله کردند.

همه این ترندها نتوانست کارساز شود. اعتصاب در پایتخت ۱۷ میلیونی ایران به گشت و گذار در آمد. رژیم جمهوری اسلامی، نیروی مهیبی را روبروی خود دید. برای همین به سرعت راه سازش و

پنجشنبه اول دی ۱۳۸۴ مامورین رژیم با در دست داشتن حکم بازداشت و بازرسی منازل رهبران و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به منازل آنها مراجعه و ۸ نفر به نام های منصور اسانلو ابراهیم مددی منصور حیات غیبی عباس نژد کودکی رضا تراز علی زاد حسین و غلامرضا میرزایی را دستگیر و بازداشت کردند. آنچه در حکم بازداشت رهبران سندیکایی آمده است اقدام به تشکیل سندیکای غیرقانونی و تلاش برای بر هم زدن نظم عمومی از طریق اعتصاب بوده است که مستند به گزارش های جلسات هیئات مدیره ذکر شده است!

روز جمعه ۲ دیماه تعداد زیادی از کارگران شرکت واحد دست به تحصن برای آزادی دستگیر شدگان زدند و تعداد بازم بیشتر از اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا در روز ۲ دیماه دستگیر شدند.

دستگیری این فعالین کارگری با موجی از اعتراض در میان کارگران شرکت واحد و محیطهای دانشگاهی و در میان مردم مواجه شد. سندیکای شرکت واحد در اطلاعیه ای در روز جمعه اعلام نمود که از روز یکشنبه ۴ دیماه اعتصاب نامحدودی را برای آزادی هیئت مدیره سندیکا آغاز میکند. جمعی از کارگران ایران خودرو، تشکل های دانشجویی مختلف در سراسر ایران، کارگران شاهو سندانج، تشکل و نهادهای کارگری، کانون نویسندگان ایران و... ضمن اعتراض به دستگیری

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

۲۸ و ۲۹ ژانویه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود.

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعاليتها و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگیرد.

جهت ثبت نام با ای میل تماس hekmatist.aboard@gmail.com

شماره تلفن 37 22 781 781 (44)

شرکت برای عموم آزاد است

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست

agolchini@yahoo.com

+44 794 041 6768

بهرام مدرسی کمیته داخل

bahramsik@yahoo.com

+49 174 944 02 01

خالد حاج محمدی کمیته داخل

khalehdhaji@yahoo.com

+447916213634

مظفرمحمدی کمیته داخل

moafar.mohamad@gmail.com

+46762737560

محمود قزوینی کمیته داخل

mkazvini@hotmail.com

+45 51603121

مصطفی اسد پور مسئول

mostaf.asadpoor@gmail.com

+44(0) 781 590 22 37

تلو یز بون پرتو

mostaf.asadpoor@gmail.com

+46 (0) 70 7399868

اعظم کم گویان سرپرست
کمونیسیت

azam_kamquian@yahoo.com

+44(0) 788 4040 835

حسین مراد بیگی دبیر کمیته

کردستان

h_moradbeigi@yahoo.com

+447916213634

آذر مدرسی دبیر تشکیلات

خارج کشور

azar.modaresi@gmail.com

+46-704 717 512

عبدالله دارابی فرمانده

fateh_sh@yahoo.com

+46-704 717 512

سراسری گارد آزادی

darabi.a@mail.com

+44(0) 781 590 22 37

اسد گلچینی دبیر کمیته

داخل

darabi.a@mail.com

Tel: 0046704752163

تماس با حزب

کوروش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modaresi@gmail.com

+44(0)7748 630833

رحمان حسین زاده معاون

لیدر حزب

husienzade_r@yahoo.com

+46 73 98 55 837

فاتح شیخ رئیس دفتر

سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

+46-704 717 512

عبدالله دارابی فرمانده

سراسری گارد آزادی

darabi.a@mail.com

Tel: 0046704752163

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!